

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه
۲۵ می ۲۰۲۲



یونس نگاه

گفت و گوی شریعت و قانون در کابل

قانون: رابطه بین من و شما همیشه خوب نبوده، اما با برگشت طالبان تشنج افزایش یافته است. این وضعیت به سود مردم افغانستان نیست. بیا باهم گفت و گو کنیم.

شریعت: درست است. برای گفت و گو یک شرط دارم.

قانون: بفرمائید، شرط تان را بگوئید.

شریعت: شرط این است که اول به من بیعت کنید، بعد گفت و گو می‌کنیم.

قانون: فرض کن من بیعت کردم. بیا حالا باهم گفت و گو کنیم.

شریعت: درست است. حالا که شما به من بیعت کردید، حق سخن ندارید. هرچه من می‌گویم بشنوید.

(سکوت)

شریعت: درست است؟

قانون: بر اساس فرض بیعت من حق سخن گفتن ندارم. باید بشنوم.

شریعت: بلی. هر جا من از شما خواستم حق دارید آری بگوئید.

قانون: بگوئید تا گفت و گو کنیم.

شریعت: مرد حق دارد چهار زن بگیرد. زن حق دارد به همسرش خدمت کند. مرد حق دارد زنش را با تالی تر بزند،

زن حق دارد به شوهرش تمکین کند. مرد حق دارد با کنیز هم بخوابد. زن حق دارد وقتی شوهرش با کنیز می‌خوابد،

برای آنان چای دم کند.

قانون: زن و مرد را بگذاریم، بیا از یک چیز دیگر گپ بزنیم.

شریعت: خوب است. موضوع را بدل می‌کنیم اما یادت نرود که درین گفت و گو شما به من بیعت کرده‌اید. من می‌گویم شما می‌شنوید.

قانون: باشد. بیا درمورد تعلیم گفت و گو کنیم.

شریعت: مرد حق دارد درس بخواند، زن حق دارد درس نخواند. مرد حق دارد کتاب بخواند، زن حق دارد کتاب نخواند. مرد حق دارد ملا شود. زن حق دارد ملا نشود.

قانون: بیا از کار بگوئیم.

شریعت: درست است. مرد حق دارد کار کند، زن حق دارد با مرد نان بخورد. مرد حق دارد تجارت کند، زن حق دارد تجارت نکند چون گشت و گذار بدون محرم برایش مجاز نیست. مرد حق دارد...

قانون: بیا یک چیزی بگوئیم که در آن زن و مرد نباشد.

شریعت: این بیعت نیست که بین گپ من می‌پری.

قانون: بیعت من فرضی بود. زیاد سخت نگیرید.

شریعت: گناه دارد. درست نیست که به شوخی هم در یک گفت و گوی شرعی میان گپ من پیری. خیر باشد. از آنجائی که شرایط تغییر کرده و طالبان هم برای کسب رسمیت امارت نیازمند نرمش می‌باشند، می‌کوشم خود را با مقتضیات زمان عیار سازم و شما را درین گفت و گوی فرضی به خاطر این گستاخی شلاق نمی‌زنم. امیدوارم خداوند از تقصیرتان بگذرد. اما، در ارتباط به آن پیشنهادتان، می‌خواهم بگویم که شریعت تنها به حقوق زن و مرد محدود نمی‌شود. حال بشنو که یک روز برایت گفت و گو کنم و هیچ نام مرد یا زن را نبرم.

قانون: بفرمائید.

شریعت: وقتی به تشناب می‌روید با پای چپ وارد شوید. زمانی که به مسجد وارد می‌شوید با پای راست داخل شوید. دست دزد را ببرید. ملحد را اعدام کنید. زناکار را سنگسار کنید. آوازخوان را به اندازه ضرورت دره بزنید. بعد از جماع خود را بشوئید. لواط نکنید. با نامحرم نخواستید.

قانون: باز به همان گپ برگشتید.

شریعت: چه گفتم؟

قانون: از ازدواج و همخوابگی و رابطه زن و مرد گفتید.

شریعت: اما از زن و مرد نام نبردم. بگذار یک چیز تازه بگویم. اگر کسی با حیوان نزدیکی کند گناهکار می‌شود، اگر با استمناء خود را تخلیه کند خداوند او را...

قانون: باز همان قصه شد. یک چیز دیگر بگو

شریعت: این گفت و گو نشد. تو پر رو شدی و برای من تکلیف تعیین می‌کنی. در اول گفتم که شرط گفت و گو بیعت است. من تو را به جرم سرپیچی از شریعت به آتش تنور محکوم می‌کنم. هرچه قانون است باید سوزانده شود. شریعت کافیست.

قانون: مشکل رسمیت چطور می‌شود؟

شریعت: تو را ورق ورق، با حکمت و نرمی می‌سوزانم تا صاحب رسمیت عصبانی نشود.

قانون: تو نمی‌توانی به نرمی بسوزانی. عطش سخت‌گیری و سرکوب ترا آرام نمی‌گذارد.

شریعت: یا به نرمی یا به سختی تو را آتش خواهم زد. اگر من باشم، تو خواهی بود.